

# خواست استادان اقتصاد؛ نه چندان متفاوت

بستر سازی ها و مقدماتی چند لازم است تا اقتصاد کشوری در مسیر رشد و توسعه قرار گیرد و ادامه این رشد و پیشرفت به توان اجرایی بالا نیازمند است.

اقتصاد کشور طی سال‌ها برنامه‌ها و طرح‌هایی را تجربه کرد و در پاره‌ای مقاطع مجبور به عقب‌گرد نیز شده است. بارها نیز برنامه‌ها و راه‌های نیمه‌رفته را بار دیگر آغاز کرده است.

به هر روی به هنگام تغییر دولت و انتخاب رئیس‌جمهور تازه مباحث اقتصادی گرمی خاصی به سخنرانی‌ها و نشست‌های نامزدهای انتخاباتی می‌دهد.

روند اقتصادی نیز در آستانه نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری کوشیده است نظر تئی چند از استادان اقتصاد دانشگاه‌ها را در باره برنامه‌های اقتصادی که باید در دستور کار رئیس‌جمهور آینده قرار گیرد جویا شود.

آنچه آنان بدان پرداخته‌اند بخش‌هایی از پیکره اقتصاد مبتلا به عارضه‌های گوناگون است. تورم و مهار آن، نقدینگی و کنترل آن، بیکاری و مهار آن، از کمبود مسکن و رشد ساخت و ساز و هر آنچه که برای یک اقتصاد ملی رشد یابنده که به توسعه و رفاه رهنمون است. این خواست‌ها روشن و فراگیرند و برای طرح آن‌ها نیاز به متخصص بودن نیست. دشواری‌های اقتصاد هیچ‌گاه در سطح نظری باقی نمی‌مانند و مردم آن‌ها را هر روزه در زندگی خود حس و تجربه می‌کنند.



محمد ستاری فر

## داشتن راهبرد، توانایی راهبری امور

رئیس جمهور بجز شرایط عمومی (تجربه اجرایی در سطح کلان، آگاهی به مسائل ایران و جهان، شجاعت، مدیریت و تدبیر و...) نیازمند ویژگی مهم دیگر نیز هست: **داشتن راهبرد**؛ مقصود، شناخت دقیق مسائل، مشکلات، فرصت‌ها و امکانات پیشروی کشور است. بر پایه چنین شناختی است که وی می‌تواند تعامل کشور با دنیا را مدیریت کند و با اتکاء به باورها و مواضع نظری و عملی در حل مسائل بکوشد.

● **توانایی راهبری امور**. کاندیدای ریاست جمهوری در کنار داشتن راهبرد باید از توانایی راهبری امور نیز برخوردار باشد. البته راهبری امور در جهان امروز، امری فردی نیست و رئیس جمهور باید از همکاری تیمی توانا، برخوردار از درک و استنباط مشترک و مؤمن به راهبرد تدوین شده برخوردار باشد. تنها در پرتو کار تیمی، سازمانی، قانونی و نهادی است که می‌توان راهبرد مورد نظر را به اجرا درآورد.

**تنها در پرتو  
کار تیمی، سازمانی،  
قانونی و نهادی است  
که می‌توان  
راهبرد مورد نظر را  
به اجرا درآورد**

بر این اساس به هنگام رأی دادن به یک نامزد ریاست جمهوری باید به دو ویژگی توجه کرد: راهبرد توسعه‌ای و کیفی تابتوان به میزان اشراف وی به مسائل و معضلات مبتلابه جامعه پی برد و دیگری گروه همکاران، که نشان دهنده توانایی رئیس جمهور در عملیاتی کردن راهبرد مورد نظر است.

مهدی تقوی

## اقتصاد، نیازمند سیاست سیاست، نیازمند اقتصاد

مهنوش عبدالله میلانی

## ثبات قوانین و حق مالکیت

ارتقاء رشد اقتصادی، مهار بیکاری، کنترل قیمت‌ها و تورم، تعادل در تراز پرداخت‌ها و... درخواست‌هایی بدیهی و مؤلفه‌ها منظومه‌ای هستند که باید تحقق آن را از هر رئیس جمهوری انتظار داشت. اما این کار بزرگ چگونه رخ می‌دهد؟ زمانی یک رئیس جمهور در رسیدن به این هدف‌ها موفق خواهد بود که زمینه فعالیت‌های اقتصادی جامعه را بهتر فراهم کند. در حقیقت موفقیت وی در گرو تلاش برای ثبات قوانین، اجرای قوانین و الزام به اجرای قوانین، برقراری امنیت اقتصادی و امنیت سرمایه‌گذاری است.

هرگز نمی‌توان بی‌توجه به مسائل سیاسی به تدوین برنامه‌ها و طراحی حرکت‌های اقتصادی پرداخت. همچنانکه می‌دانیم اکنون ریسک سرمایه‌گذاری در کشور ما بالاست و از همین رو موفقیت چندانی در جذب سرمایه خارجی نداریم. در جذب جهانگرد، صادرات کالا و خدمات، ورود فناوری نیز با دشواری جدی مواجهیم. در عین حال آگاهی که ریشه مشکلات اقتصادی مان و نیز حل‌شان در مناسبات سیاسی نهفته است.

طی سال‌ها شعارهای بسیار داده شده و بر اساس همین شعارها نیز برنامه‌های غلطی به اجرا درآمده است. اثرات این برنامه‌ها را در سال‌های اخیر به شکل ناهنجاری‌های اجتماعی شاهدیم. در اوایل انقلاب بدون توجه به آینده و حتی اتخاذ سیاست‌های تشویق افزایش مولید، همچون پرداخت حق اولاد و کوپن، نرخ رشد جمعیت به ۲۷٪ در صد رسید. اثرات آن اشتباه اکنون در مشکل بیکاری چندین میلیون جوان در کشور نمایان است.

شعار دیگر، یعنی اعلام دادن مسکن به تهرانی‌ها، تخلیه روستاها را دامن زد. همین مسئله و سیاست‌های نادرست کشاورزی سبب شد که آسیب جدی به روستاهای کشور وارد آید. این موارد تنها نمونه‌هایی از اثرات برنامه‌های نادرستی هستند که طی سالیان در کشور به اجرا درآمده است. در کنار روند معمول این‌گونه مشکلات به هنگام انتخابات، در همه جای دنیا، با معضلی ویژه نیز مواجه می‌شویم و آن اعلام برنامه‌های چشمگیر از سوی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری و سپس به فراموشی سپردن این برنامه‌هاست. البته در کشورهای غربی بخشی از برنامه‌ها به عمل در می‌آیند، ولی در کشورهای جهان سوم کمتر می‌بینیم که وعده‌های داده شده جامه عمل بپوشند.

به هر روی به اعتقاد من باید یک تیم اقتصادی قوی در کنار رییس جمهور حضور داشته باشد. رئیس جمهور باید مشاورانی را برگزیند که عملی کردن مشاوره‌هایشان به فقر، تورم، بیکاری و آسیب‌های جدی اجتماعی، آنچنان که اکنون دست به گریبان‌آیم، نینجامد. باید با کشورهای جهان و در میان آنها اروپا و آمریکا تعامل داشته باشیم.

**در حقیقت موفقیت وی در  
گرو تلاش برای ثبات  
قوانین، اجرای قوانین و  
الزام به اجرای قوانین،  
برقراری امنیت اقتصادی و  
امنیت سرمایه‌گذاری است**

در عین حال مردم باید نسبت به حق مالکیت خود اطمینان بیابند. یعنی مطمئن باشند که حاصل فعالیت و تلاش‌شان به آنها بازگردانده می‌شود. افزون بر این‌ها باید به توزیع درآمدها هم توجه داشت. باید با عملکرد مناسب اقتصادی در اندیشه قشر نیازمند نیز بود تا جامعه به لحاظ توزیع درآمد دچار مشکل نشود.

علی عرب مازار



## خطر اصلی: افزایش شکاف میان دولت و جامعه

به نظر من هم اکنون مهم ترین خطر پیشروی دولت در شرایط حاضر این است که نسبت به جامعه احساس بی نیازی کند. متأسفانه وجود عاملی به نام درآمدهای نفتی در ایران، که بخش قابل توجهی از مجموع درآمد دولت را تشکیل می دهد، باعث شده که چنین احساس بی نیازی تقویت بشود. برای دولتی که تامین منابع مالی هزینه هایش به مالیات متکی است، ضرورت پیوند با جامعه بیشتر احساس می شود تا دولتی که می تواند فارغ از جامعه و درآمدهای آنان ثروت و درآمد کسب کند. وجود یک چنین بستری در اقتصاد ایران باعث شده است که دولت ها مخاطرات ناشی از افزایش شکاف با جامعه را کمتر احساس کنند و برای رفع آن نکوشند. من توصیه ام به رئیس جمهور آینده این است که این مسئله را به طور جد در دستور کارش قرار بدهد و در واقع اصلاحاتی را که لازم است در ساختار سیاسی صورت بگیرد، برای بازسازی چنین پیوندی به طور کامل و جامع به کار بندد.

سطح گذشته باز گردد و در مراحل بعدی به شکل سازمان دهی شده و نظام مند ارتقاء یابد. البته باید توجه داشت که حل این معضل با حوزه اقتصاد رابطه تنگاتنگی دارد و تحول ناشی از آن تأثیری جدی بر حوزه اقتصاد خواهد گذاشت. دولت یا به تعبیر روشن تر هر رئیس جمهوری که بخواهد اصلاحات اقتصادی در ایران را به عمل در آورد ناگزیر به طراحی سیاست ها و برنامه هایی است. طراحی نهاد های مناسب و استفاده بهینه از نهاد های موجود برای پیشبرد بسامان اقتصاد از جمله این برنامه ها و سیاست هاست و این امر ممکن نیست مگر با مشارکت گسترده آحاد جامعه. در واقع اگر دولت نتواند از تمام توانایی و توانمندی فکری و مشارکت جامعه بهره بگیرد، یقیناً نخواهد توانست برنامه های خود را به درستی طراحی کند و اگر نتواند اعتماد جامعه را به خود جلب بکند یقیناً برنامه های آن قابلیت اجرایی درخور نخواهند داشت.

هر چند این پرسش از زاویه و موضع اقتصادی مطرح می شود، ولی حوزه های مسائل اجتماعی از یکدیگر مستقل نیستند و در واقع امور اقتصادی را نباید جدای از امور سیاسی یا اجتماعی بررسی کرد. به باور من مهمترین مشکلی که جامعه ایران در سال های اخیر به شکل فزاینده ای با آن دست به گریبان بوده است، و رئیس جمهور آینده هم باید برای آن چاره ای بیندیشد، رابطه میان دولت با جامعه است. به بیان دقیق تر، به نظر می رسد سطح و عمق ارتباط دولت با جامعه در ایران در حال کاهش است. گرچه انتخابات تنها یکی از علائم و معیارهای اندازه گیری چنین رابطه ای است، ولی حتی با همین معیار هم انتخابات دو سال اخیر نشان می دهد که این رابطه به شدت سیر نزولی به خود گرفته است. بر این اساس نیاز به تحول در حوزه سیاست کاملاً احساس می شود و رئیس جمهور باید عواملی را به کار بندد که ارتباط میان دولت و جامعه در کشورمان دست کم به

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

محمد رضا قنبری

## کار آفرینی! نه ایجاد اشتغال

تهیه مسکن مورد نیاز جوانان، به وجود آوردن عرصه های اقتصادی مناسب برای زنان به خصوص دختران فارغ التحصیل دانشگاه ها بگوشد. شرط این کار، کنار گذاشتن رفتار جناحی و بهره گیری از توانایی تمامی جناح ها، اقشار، نخبگان، دانشگاهیان و متخصصان و در یک کلام تمامی مردم در جهت توسعه کشور است.

**دولت کار آفرین، دولت کوچکی است که به مجرد آگاهی از عدم توانایی خود در اجرای یک برنامه، آن را به مردم واگذار می کند**

رئیس جمهور باید دولتی کار آفرین تشکیل دهد. دولت کار آفرین، دولتی است با بهره وری بسیار بالا که در امر تولید و بخش خصوصی نه تنها دخالت نمی کند، بلکه می کوشد به حمایت، هدایت و نظارت بر آن بسنده کند. دولت کار آفرین، دولت کوچکی است که به مجرد آگاهی از عدم توانایی خود در اجرای یک برنامه، آن را به مردم واگذار می کند. در واقع دولتی است که برای مردم ارزش قائل است و معتقد است که مردم هم می توانند کار انجام دهند. متأسفانه اکنون ما جوانان خود را کار آفرین تربیت نمی کنیم، بلکه بیشتر مایلم آنان را به کاری مشغول داریم. تفاوت «کار آفرینی» و «ایجاد اشتغال» هم در این است که کار آفرین خود اشتغال زا است. در واقع ما به جای اینکه به شخص ماهی بدهیم، باید ماهی گیری را به او یاد بدهیم.

رئیس جمهور آینده باید برای کاهش فاصله طبقاتی، آموزش و توسعه قشر کار آفرین به منظور ایجاد اشتغال مناسب برای جوانان، ایجاد شرایط مناسب برای ازدواج و

## پرهیز از کلی‌گویی

داشتن یک برنامه خوب شرط لازم برای یک رئیس جمهور موفق است، اما شرط کافی نیست. انتخاب و معرفی همکاران اقتصادی کارآمد که بتوان به مدد دانش و تخصص آنها برنامه اقتصادی را به اجرا آورد در درجه اول اهمیت قرار دارد.

از سوی دیگر برنامه‌های رئیس جمهور باید شفاف و مشخص باشند. هم اکنون بسیار از مهار تورم، اشتغال‌زایی و افزایش روند سرمایه‌گذاری سخن به میان می‌آید، حال آنکه این‌گونه پرداختن به این موضوعات کلی‌گویی است و جامعه را به شناخت دقیق مسائل و راه‌حل‌های احتمالی رهنمون نمی‌سازد. در واقع موضوع مهم پرداختن مشخص به روش‌ها و چگونگی پیشبرد هدف‌ها و برنامه‌ها و حل معضلات و دشواری‌هاست؛ برای مثال ارائه پاسخ صریح و دقیق به این پرسش که تورم با چه ساز و کارهایی و بر اساس کدام اصول و روش‌هایی قرار است مهار شود.

شفافیت و دقت در توضیح مسائلی از این دست است که دیدگاه اقتصادی رئیس جمهور را در برابر دیدگان و داوری

**از آغاز انقلاب تا کنون حدود ۶۰۰ میلیارد دلار درآمدهای نفتی را خرج کرده‌ایم. در ازای چنین هزینه‌ای متأسفانه میزان کارایی در کشور آنچنان‌که باید افزایش نیافته‌است**

عموم قرار می‌دهد.

نکته دوم توجه به شرایط حاکم بر جهان امروز است. جهانی شدن یا جهانی‌سازی تحول عمده‌ای است که هم اکنون نگرش‌های کلی در باره روندهای جهانی اقتصاد را به خود معطوف ساخته است. بر این اساس رئیس جمهور آینده باید

به صراحت اعلام کند که بر اساس آنچه در برنامه چهارم توسعه پیش بینی شده، آیا به تعامل با اقتصاد جهانی معتقد است و از امکانات جهانی برای پیشبرد هدف‌های توسعه‌ای کشور بهره خواهد برد یا اینکه قصد دارد به تنهایی و جدای از جهان برنامه‌های خود را پیش برده، بر سیاست‌های محدود کننده سرمایه‌گذاری خارجی، عدم استفاده از مشارکت خارجی در فعالیت‌های اقتصادی، سیاست‌های محدودکننده واردات و نظایر آن پای خواهد فشرد.

نکته سوم توجه به امکانات ایران به لحاظ منابع طبیعی است. از آغاز انقلاب تا کنون حدود ۶۰۰ میلیارد دلار درآمدهای نفتی را خرج کرده‌ایم. در ازای چنین هزینه‌ای متأسفانه میزان کارایی در کشور آنچنان‌که باید افزایش نیافته است. رقم کارایی در ۲۵ سال گذشته حدود یک و نیم درصد در سال برآورد شده است. این، معضلی جدی است که باید به رفع آن همت گمارد. در این میان انتخاب مدیران شایسته از ضروری‌ترین نیازهاست؛ چرا که به ویژه کشور از منابع طبیعی درخور توجه برخوردار است و دشواری اصلی در چگونگی بهره‌برداری و بهره‌مندی از این منابع است.

موضوع آخر، بحث مهم فناوری و نوآوری است. بسیاری از صنایع کشور کهنه و مستهلک‌اند. ما به جهشی بزرگ در این عرصه نیاز داریم و باید از فناوری‌های نوین بهره‌مند شویم. چگونگی استفاده از فناوری و نوآوری برای توسعه اقتصادی کشور نکته‌ای است که تا کنون در مواضع نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری بدان پرداخته نشده است.

### نوشین ترکیان

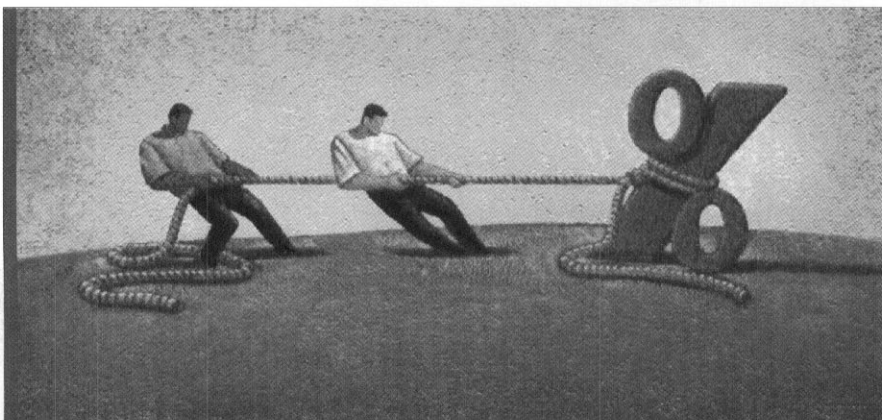
۲۰ به ۱

**باید چاره‌ای اندیشید**

وزارت جهاد کشاورزی در کتاب "امنیت غذایی توزیع درآمد" آماری را ارائه کرده است که درخور تأمل است: ۲۰ به یک. این نسبت درآمد و مخارج دهک اول جامعه، یعنی هفت میلیون نفر اول کشور در برابر دهک آخر، یعنی هفت میلیون فقیرترین اقشار جامعه است. اگر این دهک را کوچکتر کنیم، اختلاف سطح درآمدها فاحش‌تر نیز می‌شود. این در حالی است که اختلاف درآمدی دهک اول تا دهک آخر جمعیت در یک کشور پیشرفته ۲/۵ تا پنج برابر است.

بر پایه چنین واقعیتی‌هایی است که معتقدم رئیس جمهور باید دارای برنامه‌های اقتصادی شفاف و روشن باشد. او به قول‌های پیش از انتخاب خود عمل کند و عملکردش در پایان دوره چهارساله به دقت ارزیابی قرار شود.

ایران کشوری در حال توسعه است. هدف‌ها و راه‌حل اقتصادی برون رفت از وضعیت توسعه نیافتگی نامشکوف و دست نیافتنی نیستند. باید بتوان در مدت زمانی معقول، درآمد و تولید ملی را افزایش داد، توزیع درآمد را متعادل‌تر کرد، سطح اشتغال و سطح سرمایه‌گذاری را بالاتر برد و بالاخره به یک ثبات نسبی قیمت‌ها دست یافت. البته این کار نیاز به تلاش‌های همه جانبه دارد و الا برنامه‌ها و سرفصل‌ها موجودند.



محمدقلی یوسفی

## قوانین شفاف و نهادسازی دموکراتیک

فردی و اجتماعی زمینه تشکیل نهادهای دموکراتیک را در کشور فراهم می‌کنند.

یک نکته دیگر. متأسفانه در انتخابات ریاست جمهوری از ساز و کاری که به اصلاح ساختار اقتصادی کشور کمک کند محروم هستیم. مقصود معضل انکاء انتخابات به برنامه‌های فردی است و نه برنامه‌های حزبی؛ چنانکه در جهان مرسوم است. در تبلیغات انتخاباتی یک فرد می‌تواند برنامه‌ای را اعلام کند و در عمل به آن پای بند نباشد، یا اساساً وعده‌هایش قابل تحقق نباشند. وقتی اکثریت جامعه به هر دلیل به چنین فردی رأی دادند و او انتخاب شد، تجربه دوران ریاست جمهوری او اندوخته نمی‌شود، چون در دوره بعدی باز هم با افراد مواجهیم. در حالی که اگر احزاب برنامه‌های خود را بیان کنند، هم با برنامه‌ای جمعی و بالنسبه اندیشیده شده مواجهیم و هم می‌توانیم تجربه حاصل از عملکرد احزاب در برنامه‌های شان را در انتخابات بعدی به کار ببندیم.

تصمیمات خود به مصالح و منافع مردم اولویت می‌دهد. در میان آنچه گفته شد، توجه به نهادسازی برای اصلاح ساختار اقتصادی کشور جایگاه ویژه دارد. در واقع دولت باید از حجم خود بکاهد، سازمان‌های موازی را حذف کند و فضا را برای سرمایه‌گذاری مهیا سازد. اطلاع‌رسانی، شفاف‌سازی و به رسمیت شناختن حقوق

مهم‌ترین وظیفه پیشاروی رئیس‌جمهور تأکید بر قوانین شفاف و کمک به نهادسازی دموکراتیک در کشور است. شفاف‌سازی و فراهم کردن سازوکارهای پاسخ‌دهی ارکان چنین سیاستی هستند. برای موفقیت در این وظیفه، رئیس‌جمهور باید واقع‌گرا، آشنا به تحولات ایران و جهان و متکی به کارهای کارشناسی باشد؛ کسی که در

بهر روز هادی زنون

## گام اول: تعامل با جهان

نسبت توزیع ثروت (و موضوعات پیرامون آن همچون تور ایمنی اجتماعی) و رشد اقتصادی قابل حل است. بنابراین تلفیق هنرمندانه رشد اقتصادی، همراه با توجه ویژه به افشار آسیب‌پذیر و ایجاد فرصت‌های اشتغال و درآمد برای نسل جوان از مسائل مهمی است که رئیس‌جمهور آینده باید به آن بپردازد.

بحث دیگر، نوسازی دولت است. به نوسازی دولت از دو جنبه باید پرداخت. یک وجه آن اصلاح مناسبات اجزای حاکمیت است. به بیان دقیق‌تر تنازع میان قوای سه‌گانه باید به تعامل سازنده تبدیل شود و این کاری است بسیار دشوار.

وجه دوم، چالش کوچک و چابک شدن دولت است. مبارزه با فساد، شفافیت و پاسخگویی دولت و نیز شایسته‌سالاری شرط‌های برای ضروری نوسازی دولت هستند.

کاندیداهای ریاست جمهوری تاکنون، برنامه مدون و شفاف در موضوعات اقتصادی، به‌ویژه موضوعات درباره برنامه چهارم توسعه، ارائه نداده‌اند. این درست است که رئیس‌جمهور آینده نمی‌تواند برنامه‌ای خارج از مصوبات قانونی مجلس را به اجرا درآورد، اما همچنان که می‌دانیم دولت آقای خاتمی برنامه چهارم توسعه را تدوین، مجلس ششم تصویب و مجلس هفتم آن را تغییر داد. این احتمال همواره وجود دارد که برنامه چهارم در آینده نیز دستخوش تغییر شود. چنین روندی نشانه عدم ثبات در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور است. سکوت نامزدهای احتمالی ریاست جمهوری و پرهیز آنان از بیان موضع خود در باره برنامه چهارم توسعه بر ابهامات موجود پیرامون برنامه افزوده است. به نظر می‌رسد دلیل این سکوت ناآشنایی با مسائل اقتصادی و بهره‌مند نبودن نامزدهای انتخابات از پشتوانه حزبی و تیم‌های کارشناسی و تخصصی است. این در حالی است که کشور بیش از هر زمان نیازمند دقت مسؤولانه در باره روندها و فرایندهای اقتصادی است.

رئیس‌جمهور آینده باید به چند موضوع اصلی کشور بپردازد.

نخست، نحوه تعامل اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی. گرچه به موضوع تعامل با جهان در برنامه چهارم توسعه نیز توجه شده، ولی به موانع آن پرداخته نشده است. مهم‌ترین مانع بر سر تعامل اقتصاد ایران با جهان، مانع سیاسی است. در واقع رئیس‌جمهور آینده اگر بخواهد برنامه چهارم توسعه را اجرا کند، باید موانع سیاسی تعامل سازنده با جهان را برطرف کند. در غیر این صورت کشورمان به عضویت سازمان تجارت جهانی در نخواهد آمد، توانایی جذب سرمایه خارجی را نمی‌یابد و از تنوع مطلوب در صادرات غیرنفتی برخوردار نخواهد شد. افزون بر این، تنش‌های بین‌المللی می‌تواند اثرات مخربی بر رشد اقتصادی کشور داشته باشد.

موضوع دوم ایجاد بستر نهادی و قانونی مناسب اقتصاد بخش خصوصی است. در برنامه چهارم توسعه به این موضوع نیز پرداخته شده است، ولی برخی گروه‌های قوی درون حکومت با شکل‌گیری بخش خصوصی مستقل از دولت مخالفند. آنان خواهان بهره‌مندی محافل خودشان از رانت‌های ویژه تحت عنوان بخش خصوصی هستند. در حالی که کشور نیازمند شکل‌گیری بخش خصوصی مستقل از دولت، دارای افق و چشم‌انداز بلندمدت، غیر رانت‌جو و خواهان توسعه صنعتی کشور است. تحقق این امر نیازمند تغییر بینش است.

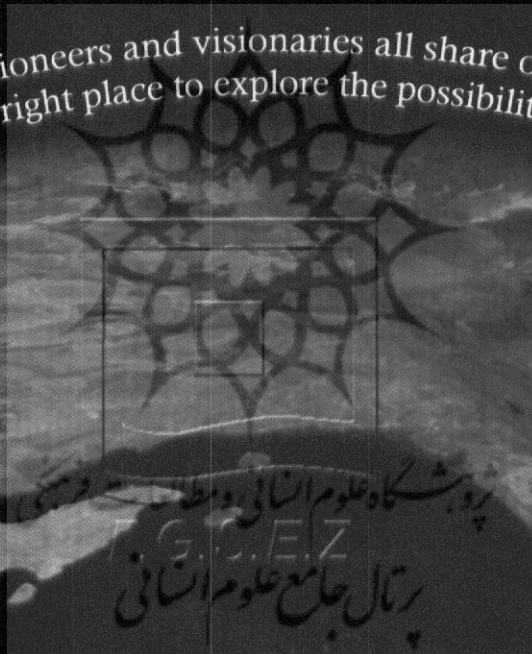
**این احتمال همواره وجود دارد که برنامه چهارم در آینده نیز دستخوش تغییر شود. چنین روندی نشانه عدم ثبات در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور است**

سومین موضوعی که رئیس‌جمهور آینده باید به آن بیندیشد برقراری تعادل میان رشد اقتصادی و توزیع ثروت در کشور است. در دهه اول انقلاب، توزیع ثروت و درآمد مقدم بر رشد اقتصادی انگاشته می‌شد. در دهه دوم انقلاب توزیع ثروت تا حدودی در سایه رشد اقتصادی قرار گرفت. اکنون این پرسش در میان است که معضلات فقر، نابرابری و بیکاری موجود در پرتو چه تلفیقی از



# Persian Gulf Special Economic Zone

Leaders, pioneers and visionaries all share one thing  
in common - they choose the right place to explore the possibilities of their great ambitions.



Persian Gulf

No.136. Khalil hosseini St. Takhti Sq.  
Beheshti Ave. Tehran.Iran

Tel: +9821-8515208-9

Fax: +9821- 8515207

[www.pgsez.ir](http://www.pgsez.ir)

[info@pgsez.ir](mailto:info@pgsez.ir)